

بررسی و تطبیق حافظه‌ی تاریخی فرهنگی زنان بختیاری با توجه به تمدن عیلام^۱ باستان براساس مطالعات باستان‌شناسی

سیده اعظم مرتضوی

کارشناس ارشد ایران‌شناسی دانشگاه میبد

چکیده

عامل گرایش به حافظه‌ی تاریخی زنان بختیاری از جمله عوامل موثر بر چگونگی نقش آنان است زیرا که آموزه‌های سینه به سینه در طی دوران مختلف چنان قوی و ماندگار در ذهن آنان بوده است که سبک زندگی و روش زیستن با توجه به آن آموزه‌ها را همواره به او یادآور می‌شود. از طرفی به دلیل تکرار پذیری این آموزه‌ها در او درونی شده است و حتی با ورود به زندگی شهرنشینی برخی از آن آموزه‌ها را مانند اجرای آیین‌های گذار را همواره دنبال و تکرار می‌کند. با توجه به اسناد و شواهد باستان‌شناسی و شباهت در بررسی و تطابق برخی جنبه‌های زندگی زنان از جمله موارد حقوقی مربوط به زنان و آداب و رسوم آیینی مانند آداب مرتبط با فعالیت‌های روزمره آنان، آیین‌های مربوط امور مذهبی زنان دوران عیلام باستان عصر مادینه‌ی هستی، با آداب مذهبی امروز زنان بختیاری، همچنین قوانین مشابه با حقوق عرفی زنان بختیاری امروز در مقایسه با قوانین زنان در دوران عیلام باستان از جمله قوانین مربوط به ارث، شهود زنان، اثبات بی‌گناهی زنان، قوانین مربوط به ازدواج در موارد خاص مانند ازدواج زن بیوه با برادر شوهرش و قرار گرفتن منطقه‌ی فرهنگی بختیاری در محدوده جغرافیای دوران عیلام دلایل مناسبی بر تطبیق جنبه‌های زندگی زنان بختیاری امروز با زنان عیلام باستان در زمینه‌های اجتماعی_فرهنگی و اقتصادی آنان می‌باشد که می‌توان گفت حافظه‌ی تاریخی این زنان و کهن الگوهای رفتاری آنان به دوران مادرشاهی تمدن عیلام باستان باز می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی، بررسی و تطبیق، تمدن عیلام، زنان بختیاری، فرهنگ

^۱. نوشتار عیلام در املا به هر دو شکل عیلام و ایلام آمده است اما نگارنده از املائی عیلام استفاده کرده است.

پیروی زنان بختیاری از حافظه تاریخی فرهنگ منطبق بر تمدن عیلام براساس مطالعات باستان‌شناسی

مناطق بختیاری نشین از دیرباز شامل خوزستان و لرستان امروزی پشت کوه و کوه‌های بختیاری بوده است. بر این اساس بختیاری منطقه‌ای است که در بخش‌هایی از تمدن عیلام واقع شده است. با علم بر این مطلب می‌توان گفت تاثیر حافظه فرهنگی تمدن ایلام و تطبیق آن با فرهنگ مردم بختیاری در میان زنان یکی از مهمترین عللی است که ریشه‌های چگونگی نقش اجتماعی_فرهنگی و اقتصادی زنان بختیاری را می‌توان در مستندات و مطالعات باستان‌شناسی جست‌وجو کرد. پژوهشگران خارجی و داخلی با مستندات و شواهد ارائه شده خود اثرپذیری فرهنگ امروز زنان بختیاری را به نحوی متأثر از فرهنگ به جای مانده از تمدن عیلام می‌دانند. از آنجایی که باستان‌شناسی یک دانش میان رشته‌ای است و فرهنگ یکی از بحث‌های مهم و معتبر مورد مطالعه آن بوده است، می‌توان از آن طریق به مردم نگاریهای پژوهش شده تا حدودی دسترسی یافت. باستان‌شناسان به چگونگی سبک و سیاق زندگی مردمانی می‌پردازند که علم، اقتصاد، هنر، معماری و علوم انسانی از جمله فرهنگ و مردم‌نگاری را می‌توان از آن اقتباس کرد. براین اساس مستندات و شواهد باستان‌شناختی مانند جام ارجان و کتیبه کول‌فره آداب و رسوم، سبک زندگی زنان بختیاری را وامدار آداب نیاکان خود یعنی مردمان متمدن در تمدن عیلام می‌داند. از آنجاییکه بختیاری در جنوب غربی ایران درست نقطه ظهور و حضور تمدن عیلام واقع است، پر بیراه نیست اگر بگوییم این زنان ریشه‌های حافظه فرهنگی‌شان را می‌بایست در تمدن عیلام جست‌وجو کرد. شیوه زندگی پر راز و رمز زنان بختیاری به سبک کوچ‌روی یا روستایی مخصوصاً مناطق لالی، ایذه، هفتکل، بافت، دوآب و صمصامی و کوه‌رنگ که همچنان بکر و دست نخورده است، گویای این مدعی است. زنان پایبند به آداب کهن نیاکان خود گذران زندگی‌شان را همانگونه پیش گرفته‌اند که کهن الگوهایشان در عیلام باستان می‌زیستند و به قطع یقین می‌توان گفت کهن الگوها در تاثیرپذیری زنان بختیاری در راه و رسم زیستن موثر بوده است. از بررسی کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها و الواح گلی و سفالین تا نقش برجسته‌های عیلامی و سنگ‌های یادمانی دلیل روشنی بر انطباق زندگی زنان عیلام با زنان امروزی بختیاری است. چگونگی جنبه‌های زندگی زن بختیاری مانند جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی_فرهنگی او و نقشش در خانواده را تا حد زیادی می‌توان در گذشته‌اش ریشه‌یابی کرد. همانطور که والتر هینتس در کتاب دنیای گمشده عیلام گستره عیلام را در زاگرس جست‌وجو می‌کند و بسیاری شواهد و مستندات که از این مناطق کاوش شده است را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما چرا والتر هینتس عیلام را در دنیای گمشده جست و جو می‌کند؟ شاید یکی از دلایل آن گستردگی تمدن عیلام در مناطق محدود از جغرافیا ایران کنونی و عدم مطالعه علم باستان‌شناسی و تمرکز بر چگونگی این تمدن است. دنیای عیلام در ایران مهجور مانده و به حق این تمدن به نوعی در ایران با تمرکزگرایی بر اقوام مهاجر آریایی گم گشته است. مطالعه تمدن عیلامی هنوز به دوران بلوغ مطالعاتی خود نرسیده است و منابع محدودی برای مطالعه این تمدن موجود و در دسترس است.

قبل از اینکه به بررسی تشابهات فرهنگی زنان امروز بختیاری در شیوه‌ی اجرا آیین‌ها و روش زندگی آنها در زمینه‌های مذهبی_معنوی، حقوقی، اجتماعی_فرهنگی و سیاسی بپردازیم ابتدا مختصری به تمدن عیلام می‌پردازیم.

پیشینه‌ی عیلام باستان و گستره جغرافیایی تمدنی آن

پس از انقلاب نوسنگی، نخستین شکل‌گیری اجتماعات و پیدایش اولین سکونتگاه‌های بشر در ایران به ویژه در غرب و جنوب‌غربی آغاز شد و از هزاره‌ی نهم تا هزاره چهارم ق.م یک دوره‌ی مهم تاریخی در جنوب‌غربی ایران شکل گرفت. پیدایش، گسترش و تداوم تمدن ایلام از مهم‌ترین رخداد‌های عصر مفرغ ایران است (طلایی، ۱۳۹۱: ۵۵). در مورد بازه زمانی حکومت

ایلام باستان با توجه به اسناد و شواهد موجود، نمی‌توان تا پیش از نیمه‌ی هزاره سوم ق.م بحث کرد. در منابع ایلامی عنوان این سرزمین برای نخستین بار در قرن هیجدهم قبل از میلاد به شکل هل‌هتَمتی^۲ یا هتَمتی^۳ ثبت شده است. فرهنگ و تمدن ایلام به عنوان نخستین و قدیمیترین تمدنی شناخته می‌شود که به زمان زیادی (حداقل سه هزار سال) از تاریخ این سرزمین را در مراحل اولیه به خود اختصاص داده است و یا به عبارتی، تمدن عظیم ایلام، پلی را برای گذر از دوران پیش از تاریخ به دوران تاریخی سرزمین کنونی ایران محسوب می‌گردد که به استناد مدارک و شواهد باستان‌شناسی پایه‌گذار نخستین حکومت مرکزی در ایران می‌باشد که پس از گذراندن دوره‌ی موسوم به آغاز ایلامی در کنار همسایگان غربی‌اش در دشت بین‌النهرین، گاهی روابط مسالمت‌آمیز و گاهی روابط خصمانه و شدید داشته است (آمی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۷). بنابر اسناد به جامانده در کتیبه‌های بابلی‌ها ایلام را بخش‌های مرتفعی که در مشرق بابل قرار داشت را الامتو و یا الام می‌نامیدند. کشور ایلام شامل خوزستان، لرستان، پُشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. به این معنی که از مغرب به دجله، از مشرق به قسمتی از فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری و از جنوب به خلیج فارس تا بوشهر محدود می‌شده، و در دوره‌ی اوج عظمت، از سمت مغرب به بابل و از مشرق به اصفهان می‌رسیده است. قسمت اول که در شمال مملکت قرار داشته، به مناسبت وضع جغرافیایی دست نخورده‌تر و به اصطلاح ابتدایی‌تر مانده است (لاهیجی-کار، ۱۳۷۸: ۱۹۸-۱۹۹). ایلامیها از نژاد آسیایی زاگرو-ایلامی یعنی نه هند و اروپایی و نه سامی بوده‌اند؛ که بعضی از دانشمندان نژادشناس آنان را جزئی از دسته اقوامی از نژاد و زبان قفقازی یا خزری می‌دانند. زبان ایشان (ایلامی‌ها) از دسته زبان‌های پیوندی بوده است (آمی، ۱۳۹۴: ۲). در مورد بومی بودن آن‌ها اختلاف نظری به جز چند مورد وجود ندارد (عامریان، ۱۳۸۵: ۳۳). دکتر عزت‌الله نگهبان پدر علم باستان‌شناسی درباره عیلامیان در کتاب خود چنین نوشته است: ایلامیان همان بومیان کوه‌نشین زاگرس هستند که بعدها وارد جلگه‌ی شوش در خوزستان شده‌اند و همچنین جایگاه واقعی آن‌ها را در خاورمیانه و آسیای غربی و از همه مهمتر در درون فلات ایران است (نگهبان، ۹۱-۱۳۵۲: ۱۵۸). از لحاظ نژاد و ریخت‌شناسی مردم بختیاری شبیه به مردم ایلام باستان هستند و به هیچ وجه قابل مقایسه با مرمانی که از اقوام مهاجر شمال ایران و در اولین موج ورود به ایران یعنی اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م به بعد وارد ایران (ایرانویج) شدند، نیست و به طور قطع و یقین بومیان سرزمین ایران تلقی می‌گردند (عامریان، ۱۳۸۵: ۳۳).

حکومت ایلام به سه دوره‌ی فرهنگی تقسیم شده است:

دوره‌ی اول ایلام قدیم است؛ این دوره خود شامل سه دوره‌ی حکومتی است؛ ۱- آوان از ۲۷۰۰ تا ۲۲۰۰ ق.م، ۲- سیماشکی از ۲۰۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م، ۳- سوکلماخ‌ها از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م (هینتس، ۱۳۸۴: ۸۱؛ آمی، ۱۳۹۴: ۳).

دوره‌ی دوم ایلام میانه؛ آغاز دوره‌ی ایلام میانه را معمولاً از حدود ۱۵۰۰ ق.م در نظر می‌گیرند. در این دوره سه مرحله شناسایی شده است؛ ۱- کیدیتویدها از ۱۵۰۰ تا ۱۴۰۰ ق.م؛ در این دوره به سبب قدرت یافتن پادشاهی به نام تپتی آهر مکانی به نام هفت‌تپه بنیان نهاده شد. ۲- ایگی‌هالکی‌ها از ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م؛ در این دوره یک پادشاه قدرتمند از ایلام میانه به نام اونتش‌نپیریش، زیگورات یا معبد چغازنبیل یا همان دورانتاش را ساخت. ۳- شوتروکی‌ها از ۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م؛ شوتروک‌نهنوته پادشاه مقتدر این دوره توانست کاسی‌ها را شکست دهد و غنائم زیادی مانند: مجسمه‌ی مردوک خدای بزرگ بابل، منشور حمورابی (همان: ۷)، سنگ یادبود نارام‌سین پادشاه آکد قدیم و بسیاری از غنائم دیگر را از بین‌النهرین به شوش

^۲. Hal hatamti

^۳. Hatamti

آورد (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۹۴-۲۹۳). پیر آمیه این دوره را عصر طلایی می‌نامد که ایلام به اوج عظمت مادی و معنوی خود رسید (آمیه، ۱۳۹۴: ۶).

دوره‌ی سوم ایلام نو؛ این دوره از حدود ۱۰۰۰ ق.م شروع و تا پیروزی کوروش بزرگ هخامنشی بر بابل به سال ۵۳۹ ق.م ادامه دارد. دوره‌ی ایلام نو نیز به سه مرحله تقسیم شده است؛ ۱- ایلام نو یک از ۱۰۰۰ تا ۷۴۴ ق.م. ۲- ایلام نو دو ۷۳۴ تا ۶۴۶ ق.م. ۳- ایلام نو سه ۶۴۷ تا ۵۳۹ ق.م (همان، ۴۰۰-۳۹۹).

به هر طریق هر گونه تلاشی به منظور شناخت نژاد ایلامیان ما را بر این باور که ایلامیان ایلامی و یکی از خالص‌ترین نژادهای بومی بودند بیشتر سوق می‌دهد. قسمت دشت، چون دائماً با ملل متمدن زمان در تماس، و در همسایگی آنها واقع بوده، مرکز یکی از مهمترین تمدن‌های ایران کهن گردیده است. شهر شوش که منطقه دوم و مرکز این تمدن مهم می‌باشد، به منزله‌ی پایتخت کشور بوده، جغرافیدانان قدیم یونان و رُم مانند "استرابون"^۴ ایالتی از ایلام را که شهر شوش در آن واقع بوده، به مناسبت اهمیت این شهر "سوزیان یا سوزیانا"^۵ خوانده است. ایالات مهم دیگر ایلام به جز سوزیان عبارت بودند از: آوان؛ در شمال غرق‌ی شوش و کنار رودهای دز و کرخه. سیماش که شامل قسمت شمال و شمال شرقی دشت خوزستان و دارای نواحی کوهستانی بوده است. آنزان یا اُنشان که به منطقه شرقی و جنوب شرقی مال‌میر بختیاری اطلاق می‌شود، و پارسوماش که شامل مسجد سلیمان امروزی بوده است. از چگونگی تشکیل جوامع و از ابتدای تاریخ ایشان اطلاع صحیحی در دسترس نیست (همان). تمدن ایلام در اعصار مختلف تحت تاثیر تمدن‌ها و همسایگان خود مانند اکد، سومر، بابل و آشور از جنبه‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی قرار گرفته است. برای مثال در جنگ‌های بین آشور، بابل و ایلام گاهی خدایان مذهبی را به نشانه پیروزی به سرزمین خود یعنی ایلام می‌آوردند و این مسله موجب اختلاط در امور مذهبی معنوی خدایان آنها نیز بوده. اما ایلام به خودی خود آنچنان تمدن قدرتمند و با نفوذی بوده است که در فلات ایران تاثیرگذار بوده باشد. نمونه‌هایی از آثار برجای مانده از تپه‌های سیلک که تاثیرپذیری فلات نجد از تمدن ایلام را نشان می‌دهد و یا تاثیر فرهنگی تمدن ایلام بر امپراطوی هخامنشی. تاثیرپذیری پارسها از ایلامیان که هرودت ظرفیت خوگیری پارسها از ایلامیان تا حد زیادی قوی می‌داند تا جایی که نامگذاری فرزندان پسر آنها مانند نام کورش^۶ از تاثیر فرهنگی ایلام بر پارسیان بوده است (همان، ۲۰۰). آنچه درباره مذهب ایلام گفته شده است توسط پژوهشگران و باستان‌شناسان دوران مذهبی مادینه هستی جزیی از تفکر مذهبی ایلام باستان بوده و همچنین در ایلام انواع الهه‌های زن وجود داشته در کنار انواع رب‌النوع‌هایی که هر کدام به خدایان ارکان طبیعی طبیعت نسبت داشته می‌شدند. در زمان پادشاهای اونتاش‌گال بالاترین دوران مذهبی را با انواع خدایان که تعدد زیادی داشته‌اند را شاهد هستیم اما مهمترین خدایان دوران اونتاش‌گال عبارتند از: هومبان، کیریشا، اینشوشیناک و الهه‌ی پی‌نیکر یا پی‌نین‌کیر بودند که مورد تقدس و پرستش ایلامیان باستان بودند (صراف، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۷). سرانجام عیلام به دست حمله آشوریان در زمان پادشاهی آشوربانیپال شکست می‌خورد و شوش در سال ۶۴۰ ق.م توسط آشوریان تسخیر می‌شود.

^۴. Strabun

^۵. Susiana

^۶. Kurash

تطبیق آداب و رسوم زنان بختیاری معاصر با زنان در تمدن عیلام بر اساس آثار و مستندات باستان‌شناسی

بیشترین نمود آداب و رسوم از تمدن عیلام باستان به زندگی بختیاری در بین عشایر کوچ‌نشین دو استان بختیاری و خوزستان و در مناطقی مانند شوش، ایزه، لالی، کوه‌رنگ و بازفت قابل مشاهده است. عدم شهرنشینی و پایبندی به کهن سنت‌ها و تداوم زندگی سخت و پر رمز و راز کوچ‌رویی در بین عشایر بختیاری از طرفی قرارگیری عمده مناطق بختیاری و خوزستان در منطقه جغرافیایی تمدن عیلام ما را بر آن می‌دارد تا به دنبال تشابهات آداب و رسوم مردم بختیاری با مردم متمدن عیلام باشیم و آن‌ها را در کهن الگوهای بختیاری جست‌وجو کنیم. سنت‌های عیلامی در کول‌فره، جام ارجان، سفالینه‌های شوش، مهرها و نقش‌های عیلامی و محوطه‌های باستانی سنت‌های فعلی بختیاری را با فرهنگ مردم عیلام باستان پیوند می‌دهد. نگارنده معتقد است در یک مقایسه، اشتراکات فرهنگی این اقوام مشخص شده که در واقع استمرار سنت‌های عیلامی در ایل بختیاری را به دنبال داشته است. با توجه به اینکه امروزه بخش مهمی از دشت شوشان باستان کانون اصلی تشابه است که در این مقایسه ماندگاه‌های زمستانی طوایف بختیاری است و حامل بخشی از سنت‌های عیلامی هستند (کوهزاد و خراسانی، ۱۳۹۶: ۷۹۵). با بررسی و تطبیق سنت‌های فرهنگی در عیلام باستان و قوم بختیاری در عصر حاضر با احتیاط می‌توان گفت شاید بخشی از بختیاری‌های امروزی بازماندگان عیلامیانی باشند که در مجاورت امپراطوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی با عنوان الیمائیان در این ناحیه به حکمرانی پرداخته‌اند. علی‌رغم گذشت ۲۷۰۰ سال از زندگی مردم عیلام باستان و با توجه به تغییراتی که در افکار و اندیشه و مذهب این مردمان بوجود آمده ولی همچنان این سنت‌ها هنوز استمرار دارند و مورد تقدس و احترام قوم بختیاری هست (همان). پیروی زنان بختیاری از حافظه تمدن عیلام در چند جنبه حقوق مدنی، اعتقادی-مذهبی و همچنین آداب‌ورسوم مربوط به روزمرگی‌های زنان بختیاری در خانواده و همچنین آداب‌ورسوم مرتبط با آیین گذار از جمله ازدواج و مرگ را می‌توان در تمدن عیلام واکاوی و بررسی کرد.

پیروی زنان بختیاری از فرهنگ منطبق بر تمدن عیلام بر اساس شواهد مطالعاتی باستان‌شناختی بر اساس آداب و رسوم مطالعه شده چنین است: نمونه‌ای از آداب‌ورسوم مشابه با فرهنگ امروزی زنان بختیاری که برگرفته از تمدن عیلام است را می‌توان در منطقه تمدنی عیلام که گستره‌ای از دشت شوشان تا کوه‌های آنزان و انشان را در برمی‌گیرد را جست‌وجو کرد. آثار کتیبه‌نوشته و نقش برجسته‌هایی فراوانی یافت شده است از جمله آنها نقش برجسته کول‌فره که بر سینه کوه‌های زاگرس میانی در ایزه حجاری شده است با موضوعیت آیین‌های مذهبی و غیر مذهبی و دیگری جام ارجان است. عیلامیان خویشاوندی نزدیکی با بختاری و آنزانی‌ها دارند؛ توجه قابل تأمل به کارکردهای زنان این مدعی را ثابت می‌کند. حضور فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از آغاز هزاره چهارم قبل از میلاد در فلات ایران به خصوص در سرزمین عیلام و آنزان حکایت از حضور جدی زنان در همه‌ی امور بوده است. در ضمن زنان در اوستا همه با هم برابرند و نام آنها در کنار نام مردان ذکر می‌شود. زنان زرتشتی در امور زندگی مستقیم دخالت می‌کردند و بهترین زنان کسانی بودند که دارای زیبایی جسمی، قوی و درستکار بودند.

الف) جام ارجان: یکی از بارزترین آثار عیلامی که در واقع شاهکار هنری عیلام است که خود بیان‌کننده ساختار اجتماعی و فرهنگ و آیین کامل یک قوم است. همه نقوش حک شده بر اساس واقعیت حاکم بر جام ارجان می‌توان به بازسازی شیوه‌ی زندگی مردم عیلام پرداخت. نشانه‌های پرسپکتو اولیه هم در جام ارجان به وضوح دیده می‌شود. هنرمند با نمایش حالت خیزوپرش و فرار را به تناوب نشان می‌دهد. البته پیوند نقوش با همدیگر بیانگر ارتباط طولانی مدت است و هر کدام نمایانگر صحنه‌ای از زندگی مردم عیلام باستان است. آداب و رسوم روزمره زنان ایلام باستان را در جام ارجان می‌توان مشاهده کرد.

برای مثال به صحنه خمیر کردن آرد برای پخت نان می‌توان اشاره کرد؛ زنان در روستاهای بختیاری مشابه این تصویر خمیر نان را تهیه می‌کنند (کوهزاد و خراسانی، ۱۳۹۶: ۷۹۰).

ب) نقوش برجسته کول‌فره: نقش برجسته کول‌فره در ایذه در سال ۱۸۴۲ میلادی توسط لایارد کشف شد و از آن عکسبرداری شد. فرهنگ مردم عیلام باستان که به وسیله‌ی هنرمندان آنها بر روی سینه کوههای زاگرس میانی در ایذه حجاری شده‌اند شامل موضوعات آیینی یا مذهبی و غیرمذهبی هستند که در دوره حاکمیت هانی پادشاه محلی آیاپیر (ایذه-مالمیر) در دوره پادشاهی شوتورناهونته یا شوتوروک ناهونته ۷۰۰-۷۱۵ ق.م و عیلام‌نو حجاری شده‌اند. این نقوش دارای ویژگی بارز هنر حجاری نقش برجسته‌های عیلامی را دارند که عبارتند از بدن به حالت تمام رخ و سر و صورت به حالت نیم‌رخ نمایان هستند. این نقوش توسط باستان‌شناسان متعددی بررسی و تحلیل شده‌اند. هنرمند عیلامی در نشان دادن هنر و قدرت و عظمت حاکم از هیچ چیزی فروگذار نبوده‌اند که تمام فرایض مذهبی و غیر مذهبی را به نمایش گذارده‌اند (همان).

ج) محوطه باستانی کلانتر ۴ و ۵ شمال مسجدسلیمان گورهای عیلامی: مورد دیگر بررسی و تحلیل آیین‌های زنان هنگام آیین‌گذار سوگواری است. قرار دادن سوزن و یا سنجاق بزرگ در قبر عادت زنان بختیاری است این سنت در بررسی گورهای عیلامی نیز مشاهده شده است. براساس یافته‌های باستان‌شناسی در گورهای عیلامی محوطه کلانتر ۴ و ۵ شمال مسجدسلیمان سنجاق‌های مختلفی که یک سر آنها به شکل حیوان منقوش و یا ریخته‌گری شده‌اند بدست آمده که کاربری آن هنوز مشخص نشده است اما بختیاری‌ها در آیین تدفین قبل از سر پوشیدن مقبره در کنار شخصی که فوت شده است یک سوزن یا سنجاق بزرگ می‌گذارند به معنای عدم بازگشت مرگ و عدم تسری آن به دیگر افراد است (کوهزاد و خراسانی، ۱۳۹۶: ۷۹۳).

د) غار باستانی بیده: در بهار ۱۹۴۹ میلادی جمعی از باستان‌شناسان، برای نخستین بار در ایران، آثار بقایای انسان پیش از تاریخ را در حفاری غاری در تنگ "بیده" واقع در کوه‌های بختیاری (شمال شرقی شوشتر) تشخیص دادند و بر پایه‌ی این آثار، مقام و موقع زن را همزمان با دورانی که انسان پیش از تاریخ می‌زیسته این چنین اعلام نمودند: "در آن جامعه بدوی وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود وی گذشته از آن که نگهبان آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بود، می‌بایست چوبدستی به دست می‌گرفت و همزمان به دنبال ریشه‌های خوردنی نباتات و یا جمع‌آوری میوه‌های وحشی بپردازد. شناسایی گیاهان و فصل رویدن آنها و دانه‌هایی که می‌آوردند مولود مشاهدات طولانی و مدام بود، و او را به آزمایش کشت و زرع هدایت می‌کرد. نخستین مساعی وی در باب کشاورزی در زمین‌های رسوبی انجام گرفت و در همان حال که مرد اندکی پیشرفت کرده بود، زن با کشاورزی ابتدایی خود در دوره حجر متأخر که اقامت در غار بدان متعلق است، ابداعات بسیاری نمود. در نتیجه می‌بایست عدم تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شود، و شاید همین امر اساس بعضی جوامع اولیه که زن در آنها بر مرد تفوق داشته، بوده باشد. در چنین جوامعی زن کارهای قبیله را اداره می‌کند، و به مقام روحانیت می‌رسد و در عین حال زنجیر اتصال خانواده به وسیله سلسله زنان صورت می‌گیرد، چه زن ناقل خون قبیله به خالص‌ترین شکل خود به شمار می‌رود... این طرز اولویت زن یکی از امور مختص ساکنان اصلی فلات نجد ایران بوده و بعدها در آداب آریاییها وارد شده است (لاهیجی- کار، ۱۳۸۷: ۸۳). زن امروز در خانواده بختیاری از احترام خاصی برخوردار است و برخی زنان مانند دوران مادرشاهی از جایگاه اجتماعی فرهنگی والایی برخوردارند مانند مقام بی‌بی‌ها در بین زنان بختیاری. از اینرو می‌توان گفت زن در خانواده بختیاری از کهن‌الگوی خاصی تبعیت می‌کند. یونگ در این باره کشش انسان معاصر نسبت به کهن‌الگوها در مکتب روانشناختی خود سخن می‌گوید. آنچه در مکتب روان‌شناسی یونگ توجه ما را به سوی خود جلب کرده است، گرایش نهانی انسان معاصر به "کهن‌الگو"ها است (همان: ۹۳). اما خود او نیز از آن آگاهی ندارد. در گفت‌وگو با زنان بختیاری آنان تمام آیین خود را به

خوبی می‌دانند اما در مواجهه با پاسخ گویی به این سوال که از چه کسی و چگونه این آداب را می‌دانند و یا از چه زمانی این آداب اجرا می‌شده تنها پاسخشان این است "سینه‌به‌سینه و از مادران خود آموخته‌ایم". تا پیش از استفاده از خط و مکتوب نگاشتن معلومات بشر علم خود را سینه‌به‌سینه منتقل می‌کرده است و پس از ابداع خط سعی در نگاشتن آن دارد. اما در مناطق بختیاری تاریخ مکتوب به جرأت به صد سال گذشته باز می‌گردد و شاید قبل‌تر از آن تنها در قالب خاطره‌نویسی مطالب پراکنده‌ای درباره زندگی اجتماعی و فرهنگی بختیاری وجود نداشته و خواندن و نوشتن جز تعداد معدودی از مردم نعمتی بوده که از آن زنان و مردان بی‌بهره بوده‌اند. در نتیجه انتقال سینه‌به‌سینه اطلاعات و معلومات قومی مانند آداب و رسوم، قوانین عرفی، طبابت تنها روش حفظ و نگهداری دانسته‌های قومی بوده است (شاید دلیل این موضوع اعتقاد مردم بختیاری به اصل اهریمنی بودن سنت نوشتار در بررسی عوامل اساطیری باشد).

د) مهر و نقش زنان در محوطه‌های باستانی عیلام: بیشترین مهر و نقش زنان در آنزان و عیلام کشف شده است که نمونه‌هایی از آن را بیان می‌کنیم. ۱. نقش زن کوزه‌گر: در شوش مهر یک‌کشف شده که تصویر زنی نشسته و مشغول کوزه‌گری است. این حاکی از پایگاه اجتماعی یک زن عادی در دوران عیلام است. ۲. زن نخ‌ریس: مهری که زنی بر تخت نشسته و مشغول کار با دوک نخ‌ریسی می‌باشد. ۳. زن مشک‌زن: در مهر دیگری زنی دو مشک در دست‌ها گرفته و مشغول تکان دادن آنهاست. ۴. زن شیردوش: تصویر زنی در حال دوشیدن شیر گوسفندان (داودی، ۱۳۹۳: ۲۳۱). نخ‌ریسی به عهده‌ی زن بختیاری است. دوکی که زن بختیاری به منظور نخ‌ریسی از آن استفاده می‌کند به آن پره نام دارد که قابل جدا کردن و دوباره سوار کردن است و از دو قطعه تشکیل شده است که به صورت ضربدر، در هم فرو می‌روند و یک میله‌ی چوبی باریک از میان آن‌ها می‌گذرد. این دو قطعه از چوب سنگینی ساخته می‌شوند (چوب گُزار) تا بتواند موقعی که دوک به دور خود می‌چرخد، نقش چرخ لنگر را ایفا کند. به هنگام رسیدن پشم و موی واخیده و شانه شده به دور مچ دست چپ شخص عمل‌کننده پیچیده می‌شود. تارها به نوک انگشتان کشیده می‌شوند و توسط حرکت دورانی دوک که به انتهای نخ آویزان است به هم تابیده می‌شوند. موقعی که دوک، نزدیک به تماس با زمین است، پشم تابیده شده (خومه) به حالت مورب به دور چوب‌های ضربدری پیچیده می‌شود. یک شکاف (لیس، لیست) در نوک چوب باریک میانی وجود دارد که خمه توسط یک گره به سر آن ثابت می‌شود. بعد از هر عمل دست راست تابیده، حرکت دوک را تکرار می‌کند. پره‌ها امکان یک کار سریع‌تر را بیش‌تر فراهم می‌کنند (دیگار، ۱۳۶۹: ۱۴۹). نقش برجسته‌ی زن نخ‌ریس ایلامی از جنس قیر طبیعی و مربوط به دوره‌ی ایلام نو (قرن هفتم و هشتم ق.م) که از شوش خوزستان کشف شده است زنی را نشان می‌دهد که در حال تهیه‌ی نخ با پره است. پره قابل ذکر در این نقش برجسته به وضوح قابل مشاهده است. تمام این نقش‌ها که کارها و فعالیت‌های روزمره زنان در عیلام باستان را نشان می‌دهد. با نگاهی تطبیقی می‌توان امروز چنین فعالیت‌هایی در جامعه زنان روستا و عشایر بختیاری وجود دارد. شباهت بین نحوه‌ی انجام فعالیت‌های روزمره زنان عیلامی و زنان امروز در مناطق بختیاری نشان از الگوپذیری زن بختیاری از نیاکان خود است. زیرا در نقش‌ها و آثار برجای مانده عیلامی حتی ابزاری که عیلامیان باستان برای انجام فعالیت‌های روزانه خود استفاده می‌کردند مانند دوک نخ‌ریسی در دستان زنان عشایر امروز به منظور انجام همان فعالیت‌ها مشاهده می‌شود.

بختیاری‌ها چُمَت یا همان هیزمی که در آتش می‌سوزد را نیز مورد احترام قرار می‌دهند و بر اساس اسطوره‌ای کهن، معتقدند که در آسمان دالویی (پیرزن) وجود دارد که اول اسفند با چمت خود تعیین می‌کند که فصل باقی‌مانده از زمستان چه نوع بارشی داشته باشد. شعری که دالو در حالت تنهایی، قهر و عصبانیت در حالی که دو فصل نخست زمستان را سپری کرده است (یعنی دو پسر خود را از دست داده است)، با خود زمزمه می‌کند به این صورت است؛ "أحمدیل رَه، موحمدیل رَه دل به چه

کُنْمَ خَشٍ / چَمَتِ وُرْدَارُومِ عالمه زُنُومِ تَشِ". أحمد و مُحَمَّد (دو پسر دالو و استعاره از دو فصل دی و بهمن) رفتند و من به چه چیزی دل خوش کنم، پس هیزم خود را برمی دارم و جهان را به آتش می کشانم. بنابراین اسطوره اگر دالو چَمَت را به سمت چاه انداخت، اسفندماه بارش برف و باران را در پی دارد، اگر چَمَت را به سمت بوته‌ی گیاهی انداخت وزش باد شدیدی را در این فصل خواسته است و در نهایت اگر چَمَت را به طرف خشکی انداخت فصل خشک و بی بارشی را نوید داده است. بختیاری‌ها انقدر برای تش یعنی آتش ارزش قائل هستند که آتش را نماد فرزند پسر نیز می‌دانند و اگر در خانواده‌ای زن و مردی فرزند پسر نداشته باشند با حسرت او را اجاق کور می‌خوانند. پیرمردها و پیرزن‌ها بختیاری همیشه داستان‌ها و قصه‌ها و حماسه‌خوانی را در کنار آتش روشن در خانه که با آن اجاق می‌گویند بازگو می‌کنند.

بررسی و مطالعات باستان‌شناسی به ما می‌گوید جایگاه زن در خانواده بختیاری تابع کهن الگوهایی است که از تمدن نیاکانش به او رسیده است. در دوره گذار عصر شکار به کشاورزی حدود ۸۰۰۰ سال پیش در مناطق ایران فرهنگی جایگاه زن از زمانی که به خصلت باروری و قدرت زایایی او توجه می‌شود زن مقام شامخ مانند مادرشاهی را تجربه می‌کند و از انصاف به دور نیست اگر بگوییم دورانی که زن دارای قدرت است در ایران فرهنگی می‌توان شواهد باستان‌شناسی را به عنوان یکی از عوامل مهم برای اثبات این مسله دانست. پژوهشگران وجوه قدرت زنانه را با استناد بر مطالعات به دست آمده در مناطق باستانی فلات نجد و مناطق مورد مطالعه تمدن عیلام تثبت و تایید می‌کنند. به نظر می‌رسد تمدن عیلام نقش مهمی در تعیین جایگاه اجتماعی فرهنگی امروزی زنان بختیاری داشته است به این سبب به جایگاه زن در تمدن عیلام خواهیم پرداخت.

جایگاه اجتماعی، مذهبی-سیاسی زن در دوران ایلام باستان

عیلام به دلیل تاثیرات فرهنگی که بر ایرانیان داشته و از طرفی اصل مادینه‌پرستی^۷ در مرکز مذهبی تمدن ایلام وجود داشته است از این منظر توجه و مطالعه تمدن عیلام در بررسی جایگاه و مقام زن بختیاری و تاثیرپذیری او از حافظه تاریخی تمدنی سرزمین خود مورد اهمیت واقع می‌شود. براساس تفکر مذهبی ایلامی خدایان مادینه دارای قدرت جادویی بودند و بر جهان زیرین هم فرمانروایی می‌کردند. اصولاً سحر، جادو و ایهام در باورهای مذهبی ایلام بسیار برجسته است (همان، ۲۱۴). از طرفی اهمیت نقش و جایگاه زن ایلام در تفکر حقوقی ایلامی از اینرو اهمیت دارد که ایرانیان بخش عمده‌ای از فرهنگ و تمدن خود را از ایلام گرفته‌اند و به همین دلیل دیدگاهشان نسبت به جنس زن ملایم شده و تلطیف یافته است (لاهیجی-کار، ۱۳۸۷: ۲۰۱). با توجه به باورهای زنان معاصر در منطقه بختیاری که شمال تمدن ایلام کهن واقع شده است اعتقاد به قدرت زنان به جهان زیرین و سحر و جادو همواره در بین این زنان مشهود است و زنان بختیاری به سحر و جادو معتقداند. از عصر طلایی تمدن ایلام (۱۳۰۰-۱۱۰۰ ق.م) نقوش و تصاویری کشف شده که نشان دهنده‌ی اهمیت موقعیت زنان در اجتماع و ارزش "اصل مادینه هستی" در بنیاهای تفکر ایلامی است. مانند مجسمه‌ای از ملکه "ناپیر آسو" همسر "اوتناش‌گال" که نقش مهمی در امور به عهده داشته است. او بر روی دامن پیکره‌ی مفرغی معروف خویش که در شوش کشف شد، ضمن معرفی خود، به نفرین کسانی می‌پردازد که در آینده بخواهند مجسمه‌ی او را بشکنند یا محو کند. ترجمه‌ی متن نفرین این ملکه به شرح زیر است: "من ناپیراسو، زن اوتناش‌گال هستم. هر کس مجسمه‌ی مرا به دست آورد و آن را بشکند، یا کتیبه‌ی آن را محو نماید، و هر کس نام مرا از روی آن پاک نماید لعنت و نفرین خدایی بزرگ، الهه‌ی کیریریشا، خدای اینشوشیناک بر وی نازل گردد" (هینتس، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۱۴۰). دعا و نفرین (واژه‌ای کاربردی در زبان بختیاری به معنای نفرین) در بین تمام مردمان

^۷ مادینه‌پرستی در عیلام باستان و تمدن‌های دیگر وجود داشته به این منظور که مقام و جایگاه زن به دلیل باروری حالت تقدس‌گرایی به خود می‌گیرد و از جمله خدایان باستان زنان بوده‌اند.

بختیاری بهخصوص دالوها و تاته‌ها (پیرزن و پیرمردها رایج است هنگامی که یک پیرزن دو دست خود را هنگام دعا رو به آسمان دراز می‌کند دقیقاً تصویر زن عیلامی را در مجسمه‌هایی مربوط به زنان عیلامی در معابد به هنگام دعا دو دست خود را با سمت بالا دراز می‌کردند در ذهن ما تجسم می‌کند.

در ایلام "ایشمه کرب" مقام خدایی را دارد و این زن جایگاه الهه خدایی دارد که قدرت خود را در تاثیرپذیری باور مردمان نقش مهمی داشته. نخستین باورهای مذهبی در ایلام مانند دیگر اقوام کشاورزی بر مبنای سمبلهای باروری شکل گرفته که زن نمونه بارز آن بوده است. به طوریکه اولین خدایان که به شکل انسانی ارائه و تصویر شده‌اند، صورت و اندام زنانه داشته‌اند. تا پایان دوران ایلامی، همچنان نقش الهه‌های مونث را در نقوش، تصاویر، مدارک و اوراق می‌بینیم که هر چند دیگر دارای قدرت مطلقه نیستند، ولی بی‌حضور آنها باورهای مذهبی قابل طرح نبوده است (لاهیجی-کار، ۱۳۸۷: ۲۲۳). در پانتئون^۸ ایلامی جایگاه اصل مادینه مشهود است و شاهد پرستش خدایان مادینه توسط مردمان ایلام هستیم. کهنترین سند مربوط به ۲۲۶۰ ق.م باز می‌گردد. این سند که تا سال ۶۳۹ ق.م یعنی حدود ۱۵۰۰ سال دست نخورده باقی مانده است. این سند که به نام پیمان "خیتا" معروف است و براساس آن پانتئون یا پرستشگاه اصلی خدایان در تاریخ رومی شکل می‌گیرد با این دعای توسل آغاز می‌شود: مدد کنید ای الهه "پینی کیر" و ای خدایان خوب آسمان. بنابراین در رأس پانتئون و جدا از همه خدایان یک خدای مادینه قرار گرفته است (همان، ۲۲۱). الهه ماهی نمونه بارزی از الهه‌ها و خدایان در دوران مادینه هستی است. مجسمه این الهه که از منطقه سورک کوه‌های بختیاری کشف شده است و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، مجسمه زنی را نشسته نشان می‌دهد که به طریق ارباب انواع عیلامی، لباسی چین بالاچین بر تن دارد (همان، ۲۱۲). در سرزمین بختیاری تنها مردان نیستند که سلطان، پیر، شاه و یا امامزاده می‌شوند بلکه زنان بختیاری این مقام مذهبی-اعتقادی را دارند که از نظر اعتقادی مردم بختیاری به آنها متوسل می‌شوند مانند بی‌بی حلیمه و حکیمه در سر پیر اردل زنان معتبر و قابل اعتمادی بودند که مردم به آنها معتقداند. این زنان پیر، بی‌بی، شاه نامیده می‌شوند مانند مادر و دختر گندمان پیر وانان. این تطبیق‌ها زنان ایلام باستان با زنان امروز بختیاری گویای شباهت‌هایی است که تفکر تقدس زن از تمدن ایلام و دوران مادینه‌هستی سینه‌به‌سینه به زنان امروز بختیاری رسیده است. بسیاری از قوانین عرفی که در بین بختیاری هرگز مکتوب نبوده و به صورت شفاهی اجرا و بیان می‌شده و همچنان رایج است در دوران ایلام باستان به همین شیوه اجرا می‌شده و با ورود خط از تمدن بابل و سومر و برجا ماندن لوح بابلی حمورایی در سرزمین شوشان ایلامیان سنت مکتوب کردن قوانین را به عاریت از بابلی‌ها گرفتند. از جمله این قوانین، ارث در بین زنان بختیاری است. در تفکر حقوقی ایلامی، زن جایگاه انسانی و به حق خود را داشته و هرگز به نام فرودست در مقام خواهان یا خوانده‌ی دعاوی ظاهر نشده است. علاوه بر آن کلیه آرا حقوقی نیز به نام خدایانی صادر شده که در غالب موارد جنسیت زن داشته‌اند. در احکامی هم که از خدایان مادینه در مقام خدایان برتر نام برده نشده، آنها همکار و دستیار دائمی خدایان نرینه بوده و بدون ذکر آنها احکام قضایی ضمانت اجرا نداشته است. به منظور شناخت جایگاه زن در تفکر حقوقی ایلامیان ناگزیر از شناخت بنیان‌های تفکر مذهبی آنان هستیم. خصیصه متمایز در مذهب ایلامیان ستایش و پروایی است که برای اصل مادینه‌هستی در اعمال قدرتهای ساحرانه و جادویی به خصوص در قلمرو جهان زیرین قائل شده است. پرستش خزندگان نیز در اندیشه‌های مذهبی ایلامیان به علت پیوندی که با آبهای زیرزمینی دارد مرسوم بوده است. برای مثال به منظور تطبیق این تفکر اعتقادی مذهبی به پرستش مار و تقدس آن در بین مردم ایلامی اشاره می‌توان کرد. براساس فروانی نقش مار در آثار دوره ایلام در کتاب والتر هینتس دنیای گمشده ایلام به این مسئله اشاره شده است. در

^۸ پانتئون به معنای پرستش در دوران ایلام است.

عصر معاصر در واکاوی باورداشت‌های زنان بختیاری به اعتقاد این زنان به نیروی سحرآمیز مار و حتی استفاده از مرده مار به منظور تعیین جنسیت فرزند کاربرد سحرآمیز و جادویی این خزنده را می‌توان بررسی کرد. زنان بختیاری همانطور که در فصل گذشته ذکر شد در تعیین جنسیت از مار استفاده می‌کنند. صحنه‌ای که در نقش برجسته کورائگون می‌بینیم به نوعی همین واقعه تعیین جنسیت را گویا به تصویر کشیده است. به این ترتیب که ایزد اینشوشیناک می‌خواهد با استفاده از ماری که در دست گرفته است در حضور جمیع کثیری از برگان ایلامی، برای ایزد بانو نیپریشا تعیین جنسیت فرزند کند، چراکه در کنار آثار زیادی از تصویر و مجسمه‌ی زن نقش مار از نقش‌مایه‌های رایج در هنر ایلامی است (افخمی و خسروی، ۱۳۸۶: ۴۳۶) آنان به هنگام دیدن دو مار در حال جفتگیری و یا دیدن مهره‌ی مار دامن خود (که موسوم به شولارقری در زبان بختیاری است) به روی مارها می‌اندازند و مهره‌ی آن را می‌گیرند و معتقدند کسی که این مهره را داشته باشد از قدرت نافذ بودن و نفوذ کلامی و جذابیت ارتباطی با همگان برخوردار می‌شود. و یا در ایلام باستان اعتقاد در دیدن پوست انداخته مار به معنای جاودانگی و طول عمر بوده است؛ هم‌اکنون نیز در بین باورهای عامیانه زنان بختیاری بر این باوراند که اگر کسی پوست اندازی مار را ببیند و یا آن را جایی پیدا کند به منظور طول عمر او نیز است. در دو استان خوزستان و بختیاری که انواع مارها در این مناطق زیست می‌کنند مردم بختیاری از انواع آن در ساختن پادزهرها در طبابت و انواع باورداشت‌های اعتقادی قومی بهره می‌برند. در بین باور بختیاری‌ها کشتن مار سبب از بین رفتن خیر و برکت می‌شود و به هیچ کسی اجازه نمی‌دهند در مواجهه با آن در نزدیک خانه آن را بکشد. قداست مار در تمدن ایلام در کتاب والتر هینتس به خوبی با بررسی آثار بر جای ماند با نقش مار نشان داده شده است و گاهی ایلامیان خدایان خود را به شکل اندام مار با سر انسان نشانمی‌دادند. این موضوع را در نقش مهره‌ای از جنس قیر طبیعی متعلق به دوره‌ی سوکلماخ‌ها مشاهده می‌کنیم (هینتس، ۱۳۸۴: ۴۸). به طور قطعی می‌توان گفت مار و استفاده پرکاربرد آن در نقوش ایلامی در صنعت و هنر ایلامی قابل مشاهده و استناد است. امروز در بین مرمغان بختیاری برخی از زنان طبیب به روغن گیری از مار و یا مهره‌گیری از جفت مار می‌پردازند و در طب سنتی حکیمانه خود از آن بهره می‌برند.

با بررسی نتایج و یافته‌های پژوهشگران به منظور بررسی اسناد قضایی به این نتیجه رسیده‌اند که "کی‌تن شوشیناک" خدای نرینه در امور حقوقی نقش بزرگتری را ایفا می‌کنند، اما گرز و اسلحه‌ی خدای مادینه "ایشمه کرب" نیز ضامن اجرای بسیاری از قوانین و تعهدات حقوقی است. نمونه‌ای از سند قضایی مانند: "باشد که گرز سلطنتی الهه ایشمه کرب به پیشنهاد این-شوشیناک خدا و ناهونته خدا بر سر هرکس که این سند را از میان ببرد بکوبد." بنابراین نقش خدای مادینه نقش مهمی است که اگر بزرگتر از نقش خدای نرینه نیست کمتر هم نیست (لاهیجی-کار، ۱۳۸۷: ۲۲۶). بزرگترین الهه‌های دوره ایلام الهه‌ی مادر پینی کر که در راس خدایان سی و هفت گانه عیلامی قرار دارد، در عصر حاضر و دوران قاجار در نظام حاکمیت سرزمین بختیاری چنین ضمانت اجرایی را از زنان همسران ایلامی و کدخدا مانند بی‌بی‌ها و کدبانوها شاهد بودیم و زنان ضامن اجرای احکام همسران خود لقب آ و آغا بی‌بی می‌گرفتند در نبود آنها حق امضا، ضمانت و مهر داشتند که در فصل دوم نیز به برخی مثال‌ها درباره نقش زنان در احکام اجرایی و قانونی اشاره شد.^۹

در حقوق ایلامی شهادت و سوگند نقش تعیین کننده‌ای در صدور حکم دارد. شهادت زنان مانند مردان مورد قبول بوده و نام زنان در همه‌ی گزارشهای قضایی به عنوان شهود به چشم می‌خورد (همان). اگرچه در دوران ایلام باستان شهود زن مورد قبول بوده است آثار این تفکر حقوقی الهی را در آیین‌های قوم بختیاری به هنگام جنگ و نزاع، با رسم میناکندن و خون‌بس، و قسن

۹. بی‌بی‌ها به عنوان زنان سرآمد نقش اجتماعی و فرهنگی و گاهی سیاسی داشتند و در امورات حکومتی در نبود همسرانشان حکمشان با حکم همسرانشان برابری می‌کرد.

خوردن به شیر دا (مادر) برای اثبات موضوعی در بین زنان بختیاری شاهد هستیم زن چنان مقام بلندمرتبه‌ای دارد که تنها حضور او در چنین آوردگاه‌هایی ضامن نجات جان دیگر افراد طایفه است و جایگاه مادر جایگاه والایی است که به هنگام اثبات به مقام والای مادران سوگند یاد می‌کنند. با احتیاط می‌توان گفت بخشی از آیین‌های به جا مانده در بین زنان بختیاری می‌تواند تاثیرپذیرفته از احکام قانونی و عرفی دوران ایلام باستان باشد.

مورد دیگر درباره قانون ارث زنان ایلام باستان است؛ زنان از حق وراثت محروم بودند و استفاده آنان از میراث مستلزم وجود یک میثاق حقوقی بوده است (همان، ۲۲۷). امروز زن در بختیاری طبق قوانین عرفی زن حق ارث ندارد مگر آنکه به سبب میثاق خویشاوندی از طریق ازدواج بتواند از دارایی همسر خود بهره مالکانه ببرد. برای مثال در روستای مورد مطالعه طایفه‌ی جلیل ببادی زنی که با مردی از خویشاوندان خود وصلت کرده می‌تواند در اموال منقول و غیرمنقول همسرش دخل و تصرف داشته باشد از آن ببخشد و یا زمین‌ها و محصولات کشاورزی را بین فرزندان تقسیم کند. اما در مقابل زنی که از همان با یک خانواده غریبه وصلت کرده است چنین حق ارثی از زمین‌های پدری خود ندارد و در بهترین و منصفانه‌ترین حالت ممکن بزرگان در زمان حیات خود به فرزند دخترشان سهمی از اموال و دارایی خود می‌دهند و یا بعد از فوت پدر و مادر برادر مبلغی پول از فروش اموال پدری به آن دختر می‌دهد.

ارث مادر برای فرزندی که از او مراقبت کند یک قانون عرفی و حقوقی درباره حقوق زنان بختیاری است و نمونه این سنت را نیز بین مردمان عیلام در اسناد خوانش شده شاهد هستیم. متن کتبه‌ی یک مرد ایلامی که به خط ایلامی مربوط به زمان نایب الحکومه کبیر اتامرا هالکی (۱۵۷-۱۵۸۰ ق.م) نوشته شده است به موضوع مهمی اشاره دارد که نمود آن را دقیقاً در وصیت‌های انجام شده در بختیاری به وفور مشاهده می‌کنیم. مردی که وصیت کرده بعد از مرگش تمام دارایی‌اش متعلق به همسرش است. در پایان ضمن سفارش احترام فرزندان به مادر خود به این نکته اشاره دارد که؛ "از میان آن‌ها هر که از مادر پیرش نگهداری و مراقبت کند، می‌تواند ارث ببرد" (هینتس، ۱۳۸۴: ۱۲۹). در اکثر مناطق بختیاری‌نشین پدر قبل از فوتش وصیت می‌کند که دارایی‌ش چگونه تقسیم شود. اصولاً واگذاری عمده دارایی از جمله زمین به پسر بزرگ خانواده است اما فرزندی که طبق توافق از مادر پیرش مراقبت و نگهداری کند به توصیه‌ی پدر مقداری از اموال مادرش و یا تمامی دارایی مادرش به آن فرزند می‌رسد. اگرچه دالو یا مادر در سن کهن سالی در خانه فرزند پسر ارشد و یا هر فرزندی که او منتخب می‌کند زندگی می‌کند اما به جبران زحمات نگهداری از مادر، مادر اموال و دارایی خود را قبل از وفاتش وصیت می‌کند به آن فرزند برسد البته گاهی این فرزند دختر است.

برخی از زنان بختیاری مانند بی‌بی‌ها و کدبانوها در طایفه خود روحیه مادرشاهی دارند که به نظر می‌رسد آن ویژگی‌ها را از تاریخ باستان خود یعنی زنان ایلام باستان و ویژگی‌های مادینه‌ستی زن به ارث دارند. در جامعه مادر محور اساس و رکن اداره امور یک جامعه بر دوش زنان بوده است همواره بختیاری یکی از سرزمین‌های کهنی است که باستان‌شناسان بر این باورند که مادرشاهی در آن وجود داشته. جوامع مادر محور به جوامعی کهنی اطلاق می‌شود که در آن زن_مادر خانواده در جامعه نقش تعیین کننده‌تر از مرد داشته است. از نشانه‌ها و ویژگی‌های این جوامع نسب گرفتن از تبار مادری، حضور شوهر در خانه و خانواده همسر، تدفین فرزندان با مادر، حضور خدایان مونث در رأس باورداشت‌های دینی به مثابه خدای خانه و اجاق خانواده، بانوی حاکم بر جانوران، خدایانوی زمین و زایش و مرگ است. اما او در دوران مردسالاری زندگی می‌کند و آن را می‌پذیرد و تنها اندیشیدن به خانواده‌اش مشغله فکری اوست.

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی عیلامی‌ها، زن بعد از مرگ شوهرش می‌بایست به عقد برادر شوهر خود درآید. ازدواج بیوهی برادر بزرگ با برادر کوچک از جمله آداب و رسوم عیلامی‌ها بوده است (صراف، ۱۳۸۷: ۱۰۷). نمونه‌ی بارز این نوع ازدواج در ایلام را در زندگی مادر هوتولدوش اینشوشیناک می‌بینیم که بعد از مرگ شوهرش کوتیر ناهونته، با برادر وی یعنی شیلهاک اینشوشیناک می‌بینیم که اینشوشیناک در کتیبه‌ی روی پاشنه‌ی سنگی دری که به معبد خدایان منزات و سیموت در شوش اهدا شده بود خود را پسر تنی عموی خود، شیلهاک اینشوشیناک نیز می‌داند (همان، ۳۹). در مقایسه با آداب و رسوم و حقوق عرفی موجود درباره ازدواج زنی که پس از چند سال زندگی شوهرش فوت کند او بیوه محسوب می‌شود و با برادر شوهر خود ازدواج می‌کند به دلیل اینکه برادر شوهر او سرپرست زندگی او و فرزندان برادرش باشد. البته گرچه امروز کمتر این موارد در بین زنان بختیاری یافت می‌شود اما چنین رسم و سنت ازدواجی به نام شی برارشری (ازدواج برادرشوهری) نیز مرسوم است. گرچه نمونه‌های زیادی در دوران ایلخانی و پهلوی از اینگونه نوع ازدواج فراوان یافت می‌شود اما در اینجا تنها به نام بردن از یک مورد از این ازدواج به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم. نمونه‌ای از این ازدواج را در دوران ایلخانی بختیاری مشاهده می‌کنیم. ازدواج بی‌بی شرف حاجی ایل‌خانی بختیاری که بعد از مرگ شوهرش اصلان خان عکاشه، به عقد برارشر خود، اسکندرخان عکاشه درآمد (عکاشه، ۱۳۶۵: ۵۱۹)

نتیجه‌گیری

با بررسی شواهد و مطالعات باستان‌شناسی مربوط به دوران عیلام باستان و تطبیق آن‌ها در حوزه مطالعات زنان بختیاری با جنبه‌های اجتماعی_فرهنگی و حقوقی سیاسی زنان با توجه به اصل دوران مادرشاهی و خصوصیات مربوط به این دوران جنبه‌ها و وجه اشتراکات فراوانی را در بسیاری از شئون زندگی زنان بختیاری می‌توان یافت که گویا متعلق به همان دوران باستانی زنان عیلام است. برخی از این موارد تشابه به امورات روزمره و فعالیت‌های زن بختیاری در تطابق با زن دوران عیلام باستان است که شامل تشابه در آداب و رسوم زنان و نحوه‌ی انجام فعالیت‌های کاری آنان می‌شود. برخی دیگر از این تشابهات به امورات اجتماعی این زنان مربوط است مانند امورات حقوقی از جمله شهادت حق ارث زنان و قوانین عرفی مربوط به ازدواج. در موارد اعتقادی مذهبی می‌توان اعتقاد به مادینه هستی و دوران مادرشاهی را در نقش اجتماعی و مذهبی برخی زنان سرآمد امروزی در سرزمین بختیاری مشاهده کرد که وابسته به زندگی سیاسی این زنان است البته سیاست مذهبی مانند اعتقاد به زنان مانند پیرها و امامزاده‌ها و توسل کردن به آنان. در کل به نظر می‌رسد بسیاری تشابهات بین این زنان و زنان دوران عیلام باستان وجود دارد که امروز زنان بختیاری را به حافظه تمدنی و باستانی آنان گره می‌زند. با احتیاط می‌توان گفت ریشه‌ی اصلی آموزه‌های سینه به سینه زنان بختیاری به آداب و باورها و معتقدات زنان عیلام باستان بازمی‌گردد و کهن‌الگوهای زنان بختیاری ریشه در تمدن عیلام دوران مادینه هستی و عصر مادرشاهی دارد. از طرفی جغرافیای قرارگیری سرزمین کنونی بختیاری در تمدن عیلام باستان بخش انزان و اُنشان و سبک زندگی بکر کوچ‌نشینی این زنان حافظه تمدنی و باستانی این زنان را حفظ کرده است. همواره برخی از عناصر باستانی مانند ایل راه باستانی دزپاد نشان از وجود شواهد و قراینی است تا این تشابهات را با اطمینان بیشتری بپذیریم.

منابع و مأخذ

۱. آمیه، پیر (۱۳۹۴). تاریخ عیلام؛ ترجمه‌ی شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۲. افخمی و خسروی، بهروز و زینب (۱۳۹۶). پدیدار شناسی ازدواج با محارم در دوره‌های ایلام باستان و هخامنشی؛ مجله‌ی زن در فرهنگ و هنر، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۹۶، (از ص ۴۲۹ تا ص ۴۵۱).
۳. پاتس، دنیل (۱۳۸۵). باستان‌شناسی ایلام؛ ترجمه‌ی زهرا باستی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
۴. داودی حموله، سریا (۱۳۹۳). دانشنامه قوم بختیاری. اهواز: انتشارات معتبر.
۵. دیگار، ژان پی (۱۳۶۹). فنون کوچ نشینان بختیاری. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: معاونت آستان قدس رضوی.
۶. صراف، محمد رحیم (۱۳۸۷). مذهب قوم ایلام (۵۰۰۰-۲۶۰۰ سال پیش). تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
۷. طلائی، حسن (۱۳۹۱). باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت). چاپ پنجم.
۸. عامریان، حمید (۱۳۸۵). نگاهی به ایلامیان و هنر آنان و نقش این قوم در آغاز تاریخ ایران؛ مجله‌ی هنرنامه، سال ۸، شماره‌ی ۲۵.
۹. عکاشه، اسکندر خان (۱۳۶۵). تاریخ ایل بختیاری. تهران: فرهنگسرا
۱۰. کوهزاد-خراسانی، اردشیر-مصیب (۱۳۹۶). تداوم سنت‌های عیلامی در ایل بختیاری. سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. لاهیجی- کار، شهلا- مهرانگیز (۱۳۸۷). شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۲. نگهبان، عزت‌الله (۱۳۵۲). مقدمه‌ای بر تمدن و تاریخ ایلام. تهران: نشریه‌ی گروه آموزشی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲.
۱۳. هینتس، والتر (۱۳۸۴). دنیای گمشده، ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا تهران: علمی فرهنگی.